

میزان سنجی سطح تعاملات اجتماعی در بافتهای قدیمی باهمستانهای شهری؛ نمونه موردی: محله درب نو گرگان

زهرا نعیمی نظم آباد* - دانشجوی کارشناس ارشد معماری دانشگاه غیرانتفاعی ساریان، ساری، ایران.
مریم فرج پور - دانشجوی کارشناس ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
محمدرضا امیر شقاقی - کارشناس ارشد معماری دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

The assessment of social interactions in tissues of older urban neighborhoods; Case Study: Darb-e-Noo neighborhood in Gorgan

Abstract

The maximum enjoyment of citizenship, social interactions and exchanges at all levels of planning and urban design is a very comprehensive; if this increase in quality of life and citizen satisfaction has led to the development of cities will be responsive to the people involved. However, in modern times, social interaction and communication, especially in developing countries is declining; And has become one of the problems of Third World cities. On the other hand, Gorgan is an old neighborhood social interactions, especially in newer neighborhoods of the day is declining. The methodology of this study, survey data collection tool questionnaire and field is that the method of statistical analysis is also used. Therefore, in this study, a social factor in the old quarters of the city of Gorgan new door has been paid to the neighborhood. The study randomly assigned 120 families who live in this neighborhood, they have chosen. And Using spss software involvement, their social interactions and communication is studied. The results show that the level of communication, participation and social interaction in the neighborhood of Gorgan new door has been above average. The solutions are presented in increasing the level of social interaction.

Keywords: social interaction, community involvement, old texture.

چکیده

امروزه برخورداری از بیشینه تعاملات اجتماعی و مراودات شهروندی در سطوح برنامه ریزی و طراحی شهری از اهمیت فراگیر برخوردار شده است؛ چنانچه این موضوع افزایش «کیفیت زندگی» و «رضایتمندی شهروندی» را به همراه داشته و در ایجاد شهرهای پاسخده به ساکنان تاثیرگذار خواهد بود. در عین حال در عصر مدرن، تعاملات و ارتباطات اجتماعی به خصوص در جوامع در حال توسعه بسیار کاهش پیدا کرده و به یکی از مشکلات شهرهای جهان سومی تبدیل شده است. از سویی دیگر، شهر گرگان دارای محله های قدیمی می باشد که تعاملات اجتماعی در آن به خصوص در محلات جدیدتر روز به روز در حال کاهش می باشد. روش تحقیق پژوهش حاضر، «روش پیمایشی» با ابزار گردآوری داده: «پرسشنامه» و «مطالعات میدانی» بوده است که از روش تحقیق تحلیل آماری نیز بهره برده است. لذا، در این پژوهش به بررسی فاکتورهای اجتماعی در یکی از محلات قدیمی شهر گرگان به نام محله درب نو پرداخته شده است. در این پژوهش ۱۲۰ خانواده که به صورت تصادفی در این محله زندگی می کنند، انتخاب شده اند و با استفاده از نرم افزار spss میزان مشارکت، تعاملات و ارتباطات اجتماعی آنان را مورد بررسی قرار گرفته است و در پایان نتایجی حاصل شده است که نشان می دهد میزان ارتباطات، مشارکت ها و تعاملات اجتماعی در محله درب نو شهر گرگان بالاتر از حد متوسط بوده است. همچنین راهکارهایی در زمینه افزایش میزان تعاملات اجتماعی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: تعاملات اجتماعی، مشارکت اجتماعی، بافت قدیمی، محله درب نو

مقدمه

بافتهای قدیمی و فرسوده که در اکثر شهرهای قدیمی ایران وجود دارد، روزگاری مکان و محیطی امن توأم با آسایش و رفاه ساکنین آن بوده است. این بافت با توجه به فرهنگ، ملیت و تکنولوژی آن دوران، جوابگوی نیازهای اساسی آنها بوده و از یک نظم ارگانیک برخوردار بوده است. در متون مختلف دیده می شود که از بافت قدیمی به عنوان پیری با کوله باری از تجارت و اصالت ها یاد شده که اگرچه هم اکنون توان فعالیت و یا کارآیی لازم را در جوابگویی به نیازهای امروزی ندارد، ولی استاد باتجربه ای است که می تواند ارزش های نهفته را بازگو کند (بیگ زاده، ۱۳۷۹ ص ۱). از سویی دیگر، شهر گرگان با قدمتی چندین هزار ساله دارای بافت قدیمی و فرسوده قابل توجهی است. بافت های قدیمی و فرسوده این شهر به عنوان بخشی جدایی ناپذیرند که منطبق بر بخش مرکزی شهر می باشد. وجود عناصر شهری تاریخی و باارزشی همچون راسته بازار، مسجد جامع، امام زاده، مرکز محله ها و مجموعه های تاریخی از مهمترین عوامل هویت بخش تاریخی و فرهنگی بافت می باشد. لیکن امروزه، این بافت به دلیل مشکلات دسترسی و فرسودگی ساختمان ها و مراکز خدماتی و همچنین مشکلات ضوابط بهسازی و نوسازی بافت فرسوده، تحت تاثیر کاهش شدید جمعیت، متروک شدن و تخریب فیزیکی ناشی از آن، به شدت ارزش های سکونتی و کارکردهای سنتی خود را از دست داده است. در این مقاله به مقوله میزان سنجی تعاملات اجتماعی در محلات بافتهای قدیمی شهرها با تاکید بر محله درب نو در شهر گرگان نگاهی انداخته شده و پس از ارائه مبانی نظری تحقیق، یافته های تحقیق در حوزه میزان سنجی مورد اشاره قرار می گیرد و در پایان راهکارهایی در زمینه افزایش میزان تعاملات اجتماعی ساکنان این محلات ارائه می شود.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله «روش پیمایشی» بوده

که از ابزار پرسشنامه برای انجام مطالعات میدانی استفاده می شود. «روش نمونه گیری و حجم نمونه»: حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برای ۱۲۰ خانواده ساکن این محله برآورد گردید. برای انتخاب نمونه ها از روش نمونه گیری تصادفی ساده بوسیله قرعه کشی استفاده خواهد شد. «روش گردآوری اطلاعات»: در این تحقیق از روش ها و ابزارهای زیر جهت جمع آوری اطلاعات استفاده شده است: ۱. در مبانی نظری تحقیق از منابع کتابخانه ای و اینترنتی شامل کتب و مقاله های و پایان نامه های فارسی و انگلیسی استفاده شده است؛ و ۲. در تعیین شاخص های مطلوب مربوط به عوامل مرتب با طراحی و احیای مرکز محله در بافت قدیمی با رویکرد پایداری کالبدی- اجتماعی از پرسشنامه استفاده شده است. همانند بسیاری از روش های ارزیابی آمادگی، در این تحقیق از ابزار پرسشنامه استفاده شده است و در این زمینه یک عدد پرسشنامه با ۳۸ سوال متنوع که مجموعه اهداف را تعیین نماید، طراحی گردید. پاسخ دهندگان از متوسط سنی بین ۱۸ تا ۵۵ سال انتخاب شدند. اکثر پاسخ دهندگان آشنایی کامل با محله داشتند، به طوری که از میان ساکنین اصل محله، متولدین و حتی شاغلین در محله انتخاب شدند. در زمینه شغلی و تحصیلی نیز سعی در انتخاب تنوعات مختلف اعم از کارمند، شغل آزاد، بی سواد، با سواد، خانه دار، دانشجو، دانش آموز و غیره، شده است. بر طبق آن در صفحه اول ضمن قدردانی از اساتید معماری، سوالهای مربوط به هر متغیر به همراه شاخص های آن برای مصاحبه شونده توضیح داده شده است. «روائی (اعتبار)»: درجه و میزان صحت و واقع نمائی یک وسیله اندازه گیری، قابلیت آن وسیله را نشان می دهد. برای این منظور با استفاده از مطالعات کتابخانه ای و راهنمائی اساتید راهنما و مشاور و تنی چند از سایر اساتید پرسشنامه ای حاوی ۳۸ سوال که با استفاده از «طیف لیکرت» امتیازبندی و تنظیم گردید. «پایائی»: اگر یک روش اندازه گیری یا یک

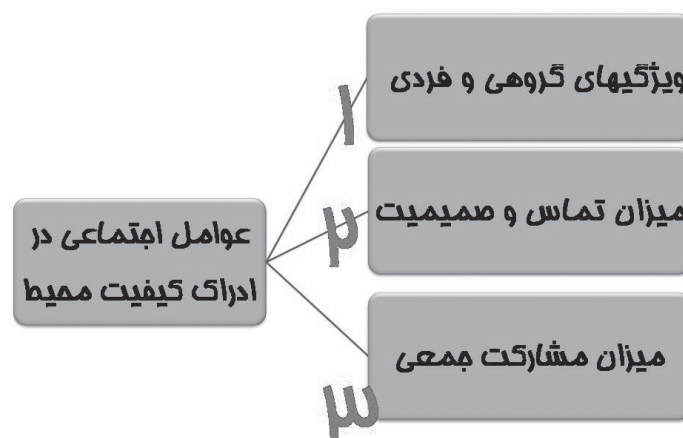
۱. ویژگیهای گروهی و فردی کاربران مکان؛
۲. میزان تماس و صمیمیت افراد در مکان؛
۳. میزان مشارکت در فعالیت های گروهی و مراسم جمعی. (Brown&Werner, 1985)
آن چه در این میان حائز اهمیت می باشد، آن است که، دریافت فضای اجتماعی مطلوب از سوی افراد، سبب افزایش رضایت و تشویق ارتباطات غیررسمی و مشارکت در فعالیت های اجتماعی و در نتیجه سبب توسعه و بهبود دلبستگی به مکان در آنها می گردد. یافت شده که رضایت به مسکن مرتبط با کیفیت همسایگان است و آن نیز با سازگاری بیشتر تعریف می شود، تا دفعات تعاملات (Erkip, 2010). عامل زمان یا به عبارتی طول مدت سکونت و آشنایی با مکان، در افزایش دلبستگی به مکان نقش دارد. عامل زمان در بزرگسالان و کودکان به عنوان عاملی تعیین کننده در میزان دلبستگی به مکان مطرح گردیده است. حضور و مشارکت افراد در فرایند طراحی و ساخت مکان سبب می گردد تا آنها احساس بیشتر و بهتری نسبت به مکان داشته باشند. این امر، دلبستگی به مکان، توسعه ارتباطات اجتماعی، حفظ ریشه های تاریخی، احساس آرامش و امنیت در مکان را در پی دارد (دانشپور، ۱۳۸۸).

وسيله اندازه گيري چندین مرتبه برای اندازه گیری و بدست آوردن حقیقتی از یک شی یا موضوع خاص بکار رود و مکرراً همان حقیقت را نشان دهد آن روش یا وسیله دارای اعتماد خواهد بود. همچنین قابلیت اعتماد اشاره به این مفهوم دارد که یک سوال باید برای پاسخ دهندگان مختلف، معنی یکسانی داشته باشد. برای این موضوع پرسشنامه پابلوت تدوین شده و پس از پر کردن اولیه، گویه ها مورد بازنگری قرار گرفت. «روش تحلیل»: در بخش آمار استنباطی داده های گردآوری شده بوسیله تکنیک های آماری خاصی مانند «ضرب همبستگی پیرسون»، «آزمون t استیودنت» و «تحلیل رگرسیونی» و لازم به ذکر است که در تجزیه و تحلیل های آماری از نرم افزار قدرتمند آماری SPSS استفاده شده است

مبانی نظری

کیفیت عوامل اجتماعی در محله و کیفیت محیط

محدوده آن از روابط نسبتاً دور (مانند احوالپرسی یا شناخت در خیابان) تا روابط خیلی نزدیک (مانند تحویل کلیدهای آپارتمان به همسایگان یا تقاضای کمک) شامل آیتم هایی همانند «روابط اجتماعی افراد، میزان مشارکت افراد، حس اجتماع در محله، احساس امنیت و ویژگی های ساکنین محله» می باشند. «براون» و «ورنر»، دلبستگی مکان را با سه عامل بیان کردند:



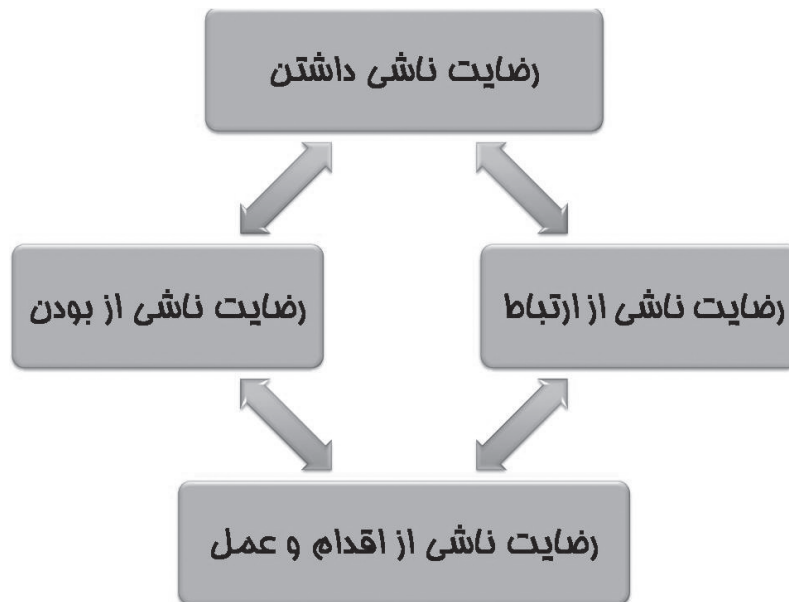
نمودار ۱. عوامل اجتماعی در کیفیت محلات شهری؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس براون و ورنر، ۱۹۸۵.

دهه های اخیر در میان نویسندگان و نظریه پردازان رشته های مختلف در زمینه های علوم انسانی رواج پیدا کرده است. اصطلاح «همبستگی اجتماعی» برای نخستین بار توسط «امیل دورکیم» جامعه شناس فرانسوی مطرح شد (کورز، ۱۳۸۷، ص ۱۹۱). همبستگی اجتماعی در واقع شاخصی برای شناخت میزان وحدت و انسجام گروه و جامعه است و عبارتی کشف (احساس تعلق و هم سرنوشتی) بین اعضای گروه و جامعه را نشان می دهد. همبستگی اجتماعی عاملی است برای تسهیل ارتباطات اجتماعی با وجود چنین عاملی شهروندان می توانند با یکدیگر روابط متقابل داشته و از پیامدهای مثبت آن سود ببرند. از این مفهوم تحت عنوان «چسب اجتماعی» نیز نام برده می شود که افراد و گروهها را در کنار یکدیگر نگه می دارد. این چسب در واقع همان ارتباطات میان افراد یک گروه است که شامل تعاملات، شبکه ها و ظرفیت ها می شود. بدون چنین چسبی در واقع فقط با یک گردهمایی انسانها در کنار یکدیگر مواجهه هستیم (موسوی، ۱۳۸۶، ص ۷۶). به نظر می رسد که همبستگی اجتماعی دارای معنای گسترده ای بوده و ابعاد و سطوح مختلفی را در بر گیرد. همبستگی اجتماعی را در سطح محله ای در سطح شهری و در سطح ملی می توان بررسی کرد. همچنین می توان همبستگی اجتماعی را در پیوندهای همسایگی و شبکه های اجتماعی و مشارکت های مدنی شهروندان جستجو کرد. در همبستگی های ملی معیارهای کلان، چون ارزشهای ملی و مذهبی مشترک، اهداف، زبان، تاریخ، فرهنگ، مذهب و ملیت مشترک عواملی هستند که سبب ایجاد همبستگی اجتماعی در سطح کلان می شوند، در حالی که در سطوح خرد و میانی علاوه بر عوامل فوق الذکر عوامل دیگری نیز دخیل می باشند. در سطح محله ای همبستگی اجتماعی در قالب روابط فردی و شبکه های ارتباطی بین افراد و هنجارها و ارزشهای غیر رسمی حاکم بر آنها مطرح می شود. در مقیاس خرد همبستگی اجتماعی را با گروه ها

و نهادهای محلی همچون انجمن ها، باشگاهها و تشکلهای مردمی، ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی ساکنان یک محله، میزان و شدت پیوندهای همسایگی، وجود شبکه های اجتماعی رسمی و غیر رسمی در محله، مشارکت های مردمی در محله و وجود اعتماد اجتماعی میان افراد محله ارزیابی می کنند (الوانی و سیدنقوی، ۱۳۸۲، ص ۱۱). انسجام اجتماعی از مولفه های اصلی سرمایه های اجتماعی بشمار می رود. امروزه سرمایه های اجتماعی موتور محرکه برای حرکت بسوی توسعه پایدار به شمار می رود. در این تحقیق همبستگی اجتماعی به عنوان متغیر وابسته بوده و از طریق سه شاخص روابط دوستی و همسایگی، مشارکت های اجتماعی و میزان اعتماد به افراد و گروه های مختلف مورد ارزیابی قرار می گیرد.

احساس تعلق به محله

احساس تعلق به گروه، جامعه و مکانی خاص از جمله احساسات ضروری در زندگی اجتماعی انسانهاست. از دیدگاه روانشناسی اجتماعی حس تعلق اجتماعی، زبان و چارچوبی را به وجود می آورد که بوسیله آن نسبت به نحوه عملکرد افراد در گروه ها و اجتماعات دانش و آگاهی پیدا کنیم. وجود این حس سبب می گردد از یک سو فرد در جامعه و محیط به شکل بالنده و پویا عمل نماید. از سوی دیگر موجب می گردد که فرد، گروه و جامعه و مکان (محله، شهر و غیره) را متعلق به خود دانسته و در جهت اعتلا، ارتقاء و توسعه آن بکوشد. داشتن حس تعلق منجر به ایجاد حس داشتن سرنوشت مشترک می شود، حسی که از نظر روانشناسی موجب ایجاد همکاری، تعاون و مشارکت در میان اعضاء یک گروه و جامعه می گردد. حس تعلق به محیط و مکان (محله و شهر) نیز نوعی از احساس تعلق است. وجود این حس ضمن اینکه برای فرد نوعی تشخص و بالندگی را به همراه دارد سبب می شود که ساکنان در فعالیت های اجتماعی مربوط به مکان مورد نظر احساس مسئولیت کرده



نمودار ۲. انواع رضایتمندی ادراکی شهروندان در سطوح محلی؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس غفاری و امیدی، ۱۳۸۸.

و تمایلات افراد تا حد زیادی وابسته به هنجارهای اجتماعی و فرهنگ حاکم بر جامعه بوده و این ویژگی‌ها از جامعه‌ای به جامعه دیگر و گاه حتی در مقیاس کوچکتر - از محله‌ای به محله دیگر - متفاوت خواهد بود. برخی از محققان، رضایت از زندگی را به عنوان مؤلفه اصلی کیفیت زندگی مورد تأکید قرار می‌دهند و در خصوص آن چهار نوع رضایت از زندگی را بر می‌شمارند:

۱. «رضایت ناشی از داشتن» که متأثر از میزان برخورداری افراد از امکانات می‌باشد؛
۲. «رضایت ناشی از ارتباط» که معطوف به روابط اجتماعی است؛
۳. «رضایت ناشی از بودن»، که پنداشت فرد نسبت به خویشستن و تعریف از کیستی خود بوده و دلالت بر معناداری و کنترل بر زندگی خود در مقابل از خود بیگانگی دارد.
۴. «رضایت ناشی از اقدام و عمل» که بیشتر معطوف به چگونگی زمان در اختیار، در قالب اوقات فراغت و غیره می‌شود (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸، ص ۴).

در آن مشارکت نمایند؛ به عبارتی حس تعلق مکانی میزان مشارکت پذیری افراد یک محله یا شهر را در امور مربوط به آن افزایش می‌دهد (موسوی، ۱۳۸۶، ص ۶۸). حس تعلق محله‌ای با تأثیر گذاشتن بر روی میزان مشارکت‌های اجتماعی در محله باعث تسریع و تسهیل در جریان توسعه محله‌ای می‌شود. از این رو می‌توان گفت حس تعلق خاطر محله‌ای در کنار عامل همبستگی اجتماعی در محله می‌تواند نقش مهمی در توسعه کالبدی و اجتماعی آن داشته باشد. همچنین رضایتمندی هم در میزان سنجی تعاملات شهروندی اهمیتی مضاعف داشته که در ارزیابی نظرات پاسخگویان تأثیرگذار خواهد بود. در شکل‌گیری مفهوم رضایتمندی، عناصر زمان و مکان تأثیر بسزایی دارند؛ آنچه که رضایت خاطر انسان دیروز را می‌آفرید شاید در ذهن انسان امروزی کمرنگ شده و یا حتی نقشی نداشته و معیارهای پیشین، جای خود را به مجموعه‌ای از ارزش‌های جدید داده باشند. از سوی دیگر شرایط مکانی و محیطی نیز بر تعبیر انسان از این مفهوم مؤثرند. این تأثیر از آن جهت می‌باشد که توقعات

تعاملات اجتماعی

فضای شهری ظرف و مکان بروز زندگی اجتماعی افراد جامعه است که براساس پایه های فکری خردگرایانه، مشارکت مدنی آحاد جامعه و رفتارهای جمعی شکل گرفته بر پایه ارزشهای انسانی شکل می گیرد. این تعامل اجتماعی و مشارکت مردمی را می توان عنصر اصلی و اساسی محتوای فضای شهری بر شمرد که روابط انسانی و فعالیت های شهری را تحت تاثیر خود قرار می دهد. در بازشناسی مفهوم تعامل اجتماعی به عنوان عنصر پایدار فضای شهری این مفهوم معطوف به مجموعه پویسها، گرایش ها و نگرش هایی است که بر پایه عقلانیت جمعی، باورهای مردم سالاری، خودباوری، خردگرایی و قانون گرایی است (پارسی، ۱۳۸۱). به عبارت دیگر، اگر پیشرفت تمدن شهرنشینی و شهرگرایی جامعه بشری را در طول تاریخ معطوف و در ارتباط با رشد روابط انسانی و تعامل اجتماعی افراد جامعه در نظر بگیریم و از آن جایی که تعاملات اجتماعی در کامل ترین تعریف خود، در تمامی ابعاد قابل طرح در بستر فضاهای عمومی، در فضای شهری به منصه ظهور می رسد، از این رو می توان فضای شهری را مکان ظهور تعامل اجتماعی قلمداد نمود و این چنین است که فضای شهری علاوه بر تاثیر پذیرفتن در شکل گیری خود از تعاملات اجتماعی، به آن شکل نیز می دهد. و از این روست که فضای شهری به واسطه محتوای شکل دهنده خود، مرکز نمادین پایداری ارزش های مردمی است که به بیان قدرت خویش می پردازند و آن را در فضا متبلور می سازند.

مشارکت پذیری اجتماعی در محله

مشارکت فرایندی است که طی آن فرد از طریق احساس تعلق به گروه و شرکت فعالانه و داوطلبانه در آن به طور ارادی به فعالیت اجتماعی دست می زند. برخی از صاحب نظران در تعریف و تحلیل مشارکت با نگرش کلان نگریسته اند و مشارکت را به معنی شرکت فعالانه افراد در حیات سیاسی، اقتصادی و

فرهنگی و به طور کلی تمام ابعاد حیات دانسته اند. این امر در سطوح محلی و ادراک شهروندان از کیفیت محیط تاثیری فزاینده دارد.

فضای اجتماعی و روابط اجتماعی در محله

رابطه اجتماعی در فضا و زمان اتفاق می افتد. مجاورت می تواند علت شروع رابطه اجتماعی باشد، اما شرط کافی آن نیست و میزانی از تجانس برای حفظ این روابط لازم است. ساختار فیزیکی و تقسیمات عملکردی فضا ممکن است گشاینده یا محدود کننده فرصت ها برای ارتباط باشد (طالبی، ۱۳۸۳). رابطه اجتماعی و فرهنگی در فضا اتفاق می افتد. بنابراین فضا مجموعه ای از روابط اجتماعی و فرهنگی میان گروه خاص و مکان خاص را در برمی گیرد. رابطه اجتماعی و فرهنگی مدت زمان خاصی دارد. بنابراین زندگی اجتماعی در فضا و زمان واقع شده و توسط آنها محدود می شود. نوع روابطی که در فضا برقرار می شود و شدت آن، به فضا معنی می دهد (طالبی، ۱۳۸۳). «دیر» و «والش» معتقدند که روابط اجتماعی می توانند در فضا شکل بگیرند و همچنین توسط شکل فضا، مورد تهدید قرار گیرند (کارمونا و همکاران، ۱۳۸۸). یکی از مهمترین نیازهای انسان در فضای عمومی، نیاز به برقراری تعامل و ارتباط با سایرین و عناصر محیطی در فضای عمومی شهری است. فضای شهری ظرف و مکان بروز زندگی اجتماعی افراد جامعه است که بر اساس پایه های فکری خردگرایانه، مشارکت مدنی آحاد جامعه و رفتارهای جمعی شکل گرفته بر پایه ارزش های انسانی شکل می گیرد. این تعامل اجتماعی و مشارکت مردمی را می توان عنصر اصلی و اساسی محتوای فضای شهری بر شمرد که روابط انسانی و فعالیت های شهری را تحت تاثیر خود قرار می دهد. میل به پیوند با دیگران و نیاز به بودن با دیگران، انگیزه ای است تا فرد را در بستر فضای عمومی شده و در دسترس همگان قرار داده شده، به تعامل با سایر افراد انسانی و نیز با محیط اطراف خویش وادارد و در این کنش ها و واکنش های انسانی

و محیطی است که مکان عمومی در قالب (فضای شهری) نمایان می شود (منصوری و همکاران، ۱۳۹۰). مفهوم تعامل اجتماعی معطوف به مجموعه پویاها، گرایش ها و نگرش هایی است که بر پایه عقلانی تجمعی، باورهای مردمسالاری، خودباوری، خردگرایی و قانون گرایی است (پارسی، ۱۳۸۱) و (ستارزاده و همکاران، ۱۳۸۹). فضاهایی به لحاظ تعاملات اجتماعی موفق-اند که از تعامل پویا، تبادل اطلاعات، کسب تجارب محیطی، امکان بیان خلاق افراد و گروه های حمایت کنند که این امر خود می تواند منجر به افزایش حس همبستگی اجتماعی و در نتیجه رضایت مندی بیشتر گردد.

عوامل موثر بر بروز تعاملات اجتماعی در محله

تعاملات اجتماعی با حضور اشیا مختلف در فضا می تواند رخ دهد. (Lubis & other, 2010) که عبارتند از:

۱- «اجتماع پذیری»: یکی از مهمترین ابعاد و ویژگی های عمومی ایجاد فرصت های لازم جهت تعاملات اجتماعی می باشد. هنگامی که مردم با سایر افراد جامعه تعامل می کنند، رابطه قویتری با مکان و جامعه خود احساس می نمایند.

۲- «فعالیت و کاربری»: رویدادهای اجتماعی، نوع فعالیت ها و کاربری های موجود درون فضا و توان آنها در جذب افراد و گروه های مختلف، مهمترین عامل در پویایی فضاهای عمومی و فعال بودن آن در ساعات و فصول مختلف است و شاخص ارزیابی این بعد، میزان و دفعات مراجعه افراد به فضا و مشارکت در فعالیت های مختلف است.

۳- «دسترسی و ارتباط»: این ویژگی می تواند در امنیت و عملکرد مثبت فضا موثر است. امکان دسترسی، تداوم حرکت و حضور گروه های اجتماعی ویژه در نقاط مختلف فضا، از جمله شاخص های تعیین کننده می باشند.

۴- «تصویر ذهنی و آسایش»: تصویر ذهنی با چگونگی سامان دهی کالبدی فضا و دریافت آسایش ذهنی از فضا، در ارتباط است. تشخیص و خوشایندی

بصری فضا در جذب مردم موثرند که سبب می گردد مردم آن را جهت توقف، قدم زدن و تجربه حیات جمعی انتخاب نمایند (دانشپور و همکار، ۱۳۸۶).

عوامل موثر بر تقویت روابط اجتماعی در محله نیز عبارتند از:

۱. «گردهم آوردن یا پراکندن»: توجه به مسائلی که می تواند پراکندن یا جمع آوری مردم و فعالیت ها را در مقیاس های مختلف موجب شود. در چنین ساختاری، فضاهای عمومی، مهم ترین عناصر در نقشه شهر می باشند و تمام عملکردهای دیگر، به طور موثری در طول خیابانها و به طرف آنها قرار می گیرند. چنین ساختاری را می توان در اغلب شهرهای قدیمی یافت. این بخش مربوط کیفیت و میزان مطلوبیت فضا دارد.

۲. «مخلوط کردن یا جدا کردن»: به این منظور که به فعالیت های گوناگون و گروه های مختلف مردم، امکان عملکردهای مختلف با یکدیگر یا در کنار هم داده شود. منظور از جدا کردن، یعنی اینکه فعالیتها و گروه های مختلف مردم از یکدیگر مجزا شوند.

۳. «دعوت کردن یا دفع کردن»: فضاهای عمومی ممکن است دعوت کننده بوده و به راحتی قابل دسترس باشند. در این حالت مردم به حضور در فضا تشویق می شوند. از سوی دیگر فضاهای می توانند دافعه ایجاد کنند که در این صورت حضور در فضا کم رنگ می شود. بنابراین، جاذب یا دافع بودن فضای عمومی بستگی به شکل قرار گرفتن فضای عمومی در رابطه با فضای خصوصی و رابطه این دو دارد.

۴. «گشودن یا بستن»: گشوده بودن یا بسته بودن فضا بستگی زیادی به تجربیات حسی انسان دارد. این انسان است که با رجوع به حواس خود و بر اساس تجربیات خود از حضور در فضا، یک فضا یا مکان را بسته یا گشوده و باز می پندارد.

۵. «پیاده مداری»: پیاده مداری در فضا یکی



از شروط مهم در زنده بودن فضا و تقویت حیات مدنی می باشد. عواملی مانند نوع فضاهای مجاور، کیفیت فضا و همچنین فعالیت های موجود در فضا می توانند بر این ویژگی تاثیر گذار باشند (طالبی، ۱۳۸۳).

بعد اجتماعی فضاهای عمومی مبتنی بر مثلثی از «انسان، فضا و حیات جمعی» می باشد که پاسخگویی به ابعاد مذکور مستلزم توجه به موارد زیر است:

- شناخت نیازهای انسان در رابطه با فضا و شناخت گروه های مختلف استفاده کننده؛

- شناخت ابعاد کالبدی فضای عمومی و قابلیت های آن در رابطه با بعد اجتماع پذیری فضا؛

- شناخت ابعاد موثر در حیات جمعی در نمونه های موجود و تامین ما به ازای کالبدی و فرصت های لازم جهت بروز فعالیت های اجتماعی (دانشپور و همکار، ۱۳۸۶).

اجتماع پذیری، حیات جمعی در محله

حیات جمعی فرصتی جهت رها شدن از تنش های زندگی روزمره، گذران اوقات فراغت، تعاملات اجتماعی و گردهمایی افراد و گروه های مختلف و بستری برای حضور، آزادی بیان و ابزار آنها در فضا است. حیات جمعی در فضاهای عمومی در گرو ترویج تعاملات اجتماعی، جذب افراد و گروه های مختلف (Whyte, 1980)، «امنیت اجتماعی» و در نتیجه ترغیب به افزایش تحمل گروه های مختلف در فضا، «جامعه پذیری بیشتر» (Francis & Marcus, 1998) و ایجاد فضایی فعال و سرزنده است. اجتماع پذیری در فضاهای عمومی بر پایه نیاز مردم به «حس تعلق اجتماعی» و تعامل با یکدیگر قرار دارد و این امر در یک فضای اجتماعی حمایت کننده میسر خواهد بود. (Lang, 1994). تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، می تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد.

بیان یافته های تحقیق

در تحقیق حاضر محاسبه پایایی از «آلفای کرونباخ»

استفاده شده است. ضریب های آلفای محاسبه شده از طریق نرم افزار SPSS16 برای نمونه آماری ۰/۸۱۱ می باشد؛ بنابراین با توجه به اینکه ضریب های آلفای محاسبه شده بیشتر از ۰/۷ می باشد، می توان گفت که پرسشنامه های مورد استفاده از اعتبار کافی برخوردار می باشد، بدین معنی که پاسخ های داده شده ناشی از شانس و تصادف نبوده، بلکه به خاطر اثر متغیری می باشد که مورد آزمون قرار گرفته است. در بخش آمار استنباطی داده های گردآوری شده بوسیله تکنیک های آماری خاصی مانند ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t استیودنت و تحلیل رگرسیونی و لازم به ذکر است که در تجزیه و تحلیل های آماری از نرم افزار قدرتمند آماری SPSS استفاده شده است.

• **گویه ۱:** ساده ترین عنصر زندگی مشترک انسانی، کنش اجتماعی است. کنش اجتماعی، سلسله حرکات بارزی است که انسان برای دست یابی به هدفی نسبت به انسانی دیگر انجام می دهد. افراد به برقراری رابطه اجتماعی نیاز ذاتی دارند و به همین دلیل موقعیت هایی فراهم می آورند تا بتوانند رابطه اجتماعی را تجربه کنند (طالبی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۲). رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوندجویی و احساس تعلق به مکان یک ضرورت محسوب می شود. فعالیت هایی چون تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت های مردم، با بوجود آوردن زمینه های اجتماعی شدن و اجتماع پذیری، به رشد فردی انسان کمک می کنند (لنگ، ۱۳۸۳، ص ۱۸۷). لذا، در اولین گویه پرسشنامه به مقوله تمایل به مصاحبت با همسایگان و میزان علاقه به هم صحبتی اشاره شده است که در مجموع در حدود ۴۰ درصد پرسش شوندگان میزان تمایل را در حد متوسط دانسته اند و تنها ۳۶ درصد بیشتر از زیاد و خیلی زیاد به مصاحبت با همسایگان تمایل نشان داده اند. نتایج این گویه در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

• **گویه ۲:** در زمینه میزان تمایل به ناآشناهای

جدول ۱. فراوانی سوال میزان تمایل شما به صحبت کردن با یک آشنا (همسایه) به هنگام برخورد با وی چقدر است؟؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
خیلی کم	۱۳	۱۰,۸	۱۰,۸	۱۰,۸
کم	۱۴	۱۱,۷	۱۱,۷	۲۲,۵
متوسط	۴۹	۴۰,۸	۴۰,۸	۶۳,۳
زیاد	۲۶	۲۱,۷	۲۱,۷	۸۵,۰
خیلی زیاد	۱۸	۱۵,۰	۱۵,۰	۱۰۰,۰
مجموع	۱۲۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

جدول ۲. فراوانی سوال تمایل شما به صحبت کردن در یک گردهمایی کوچک از افراد ناآشنا چقدر است؟؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
خیلی کم	۱۵	۱۲,۵	۱۲,۵	۱۲,۵
کم	۳۹	۳۲,۵	۳۲,۵	۴۵,۰
متوسط	۲۸	۲۳,۳	۲۳,۳	۶۸,۳
زیاد	۲۹	۲۴,۲	۲۴,۲	۹۲,۵
خیلی زیاد	۹	۷,۵	۷,۵	۱۰۰,۰
مجموع	۱۲۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

جدول ۳. فراوانی سوال به چه میزان تمایل دارید که با افراد باشید؟؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
خیلی کم	۳	۲,۵	۲,۵	۲,۵
کم	۱۵	۱۲,۵	۱۲,۵	۱۵,۰
متوسط	۴۶	۳۸,۳	۳۸,۳	۵۳,۳
زیاد	۳۹	۳۲,۵	۳۲,۵	۸۵,۸
خیلی زیاد	۱۷	۱۴,۲	۱۴,۲	۱۰۰,۰
مجموع	۱۲۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

حاضر در گردهمایی ها یا سراهای محلات یا بافتهای قدیمی محله نتایج تحقیق نشان می دهد که تقریباً بیش از نیمی از ساکنان کم و کمتر از حد میانی به صحبت کردن تمایل نشان داده اند و نکته جالب این است که چندان تمایل محسوسی بین هم صحبتی با افراد آشنا و ناآشنا در سطح محلات دیده نشده است. نتایج این بخش در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

گویه ۳: راجع به تمایل به بودن با افراد و ساکنان در محلات، نتایج تحقیق نشان از آن دارد که تقریباً ۵۰ درصد افراد بالاتر از حد میانی به بودن و در کنارهم قرارگیری تمایل نشان داده اند. در این مورد بیش از ۳۸ درصد تمایل خود را در حد متوسط و تنها ۱۵ درصد از زمینه کنارهم قرارگیری و بودن با دیگران اظهار بی تمایلی (کم و پایینتر) کرده اند. نتایج این گویه در جدول شماره ۳ مورد اشاره قرار گرفته است.

گویه ۴: در زمینه میزان تمایل به گروه های

اجتماعی نیز ۳۸ درصد آن را در حد متوسط و ۴۶ درصد نیز آن را زیاد و خیلی زیاد دانسته اند که وضع مطلوبتری را نشان می دهد. تنها ۱۵ درصد از ساکنان تمایل اندکی به پیوستن به گروه های اجتماعی از خود نشان داده اند که این موضوع می تواند بستر ساز بودن زمینه برای تشکیل تشکلات و سمن ها برای افزایش تمایلات اجتماعی و استفاده از آن در تدبیر امور محلی در محله درب نو باشد. نتایج این گویه در جدول شماره ۴ اشاره شده است. همچنین در سطح تحلیل آمار توصیفی می توان گفت که بیشترین میانه مربوط به مراتب مذهبی و میزان اجتماع پذیری فضا بوده و کمترین مربوط به روابط متقابل شخصی افراد ارزیابی شده است. همچنین بیشترین تمایل مربوط به حس تعلق و کمترین مربوط به امنیت اجتماعی و محیطی بوده است. نتایج این موضوع در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۴. فراوانی سوال به چه میزان تمایل دارید که به گروه های اجتماعی

پیوندید؟؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

درصد تجمعی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۵,۰	۵,۰	۵,۰	۶	خیلی کم
۱۵,۰	۱۰,۰	۱۰,۰	۱۲	کم
۵۳,۳	۳۸,۳	۳۸,۳	۴۶	متوسط
۹۰,۰	۳۶,۷	۳۶,۷	۴۴	زیاد
۱۰۰,۰	۱۰,۰	۱۰,۰	۱۲	خیلی زیاد
	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۲۰	مجموع

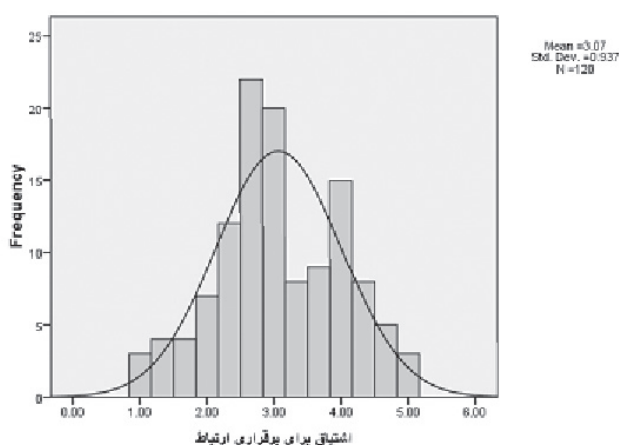
جدول ۵. آماره های توصیفی کل شاخص ها؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانه	میانگین	تعداد
۵,۰۰	۱,۰۰	.۹۳۶۷۴	۳,۰۰۰۰	۳,۰۶۹۴	۱۲۰
۵,۰۰	۱,۵۰	.۸۰۰۷۳	۳,۵۰۰۰	۳,۴۰۰۰	۱۲۰
۵,۰۰	۱,۰۰	.۸۱۹۸۰	۳,۰۰۰۰	۳,۱۸۰۶	۱۲۰
۴,۰۰	۱,۰۰	.۶۵۱۲۲	۳,۰۰۰۰	۲,۶۸۳۳	۱۲۰
۴,۶۰	۱,۶۰	.۶۳۳۷۶	۳,۴۰۰۰	۳,۲۴۵۰	۱۲۰
۵,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰۴۱۱	۴,۰۰۰۰	۳,۷۳۷۵	۱۲۰
۵,۰۰	۱,۰۰	.۷۹۰۵۳	۳,۵۰۰۰	۳,۳۸۳۳	۱۲۰
۵,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۳۸۱۳	۳,۵۰۰۰	۳,۳۲۹۲	۱۲۰
۵,۰۰	۱,۰۰	۱,۱۵۱۱۸	۴,۰۰۰۰	۳,۴۵۰۰	۱۲۰
۵,۰۰	۱,۰۰	۱,۱۴۴۱۹	۳,۵۰۰۰	۳,۵۴۱۷	۱۲۰
۵,۰۰	۱,۰۰	.۹۴۱۱۱	۳,۵۰۰۰	۳,۲۷۹۲	۱۲۰
۵,۰۰	۱,۱۴	.۹۹۹۳۳۹	۳,۳۵۷۱	۳,۲۳۳۳	۱۲۰

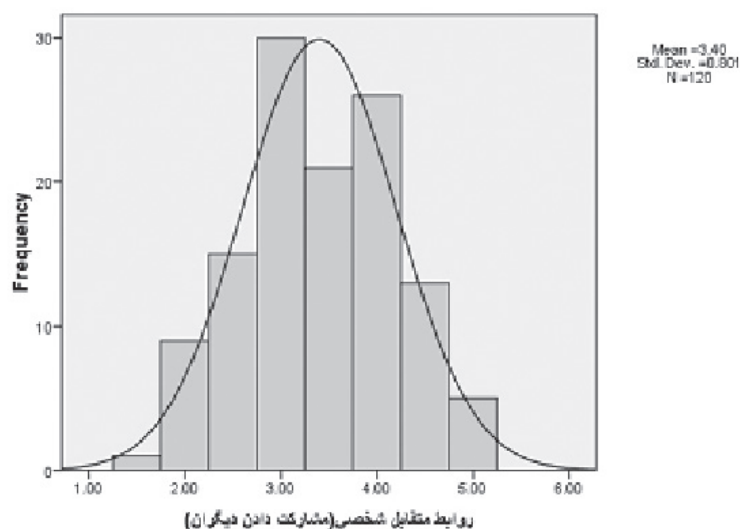
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

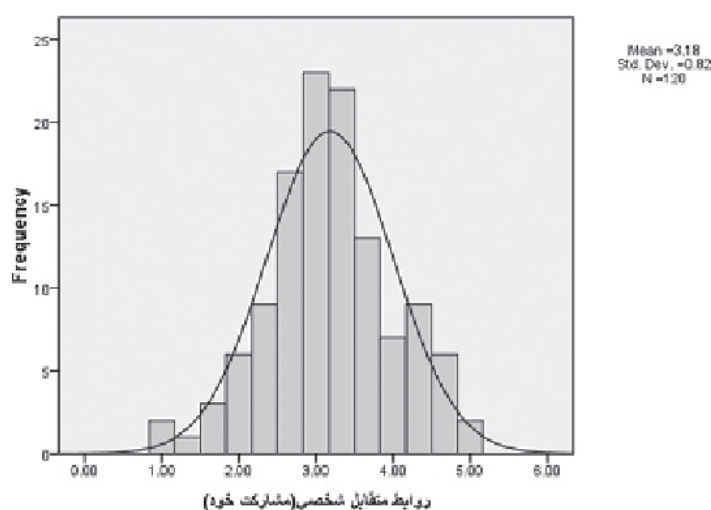
۱۴۳



نمودار ۳. توصیف شاخص اشتیاق برای برقراری ارتباط؛ ماخذ: یافته های تحقیق.



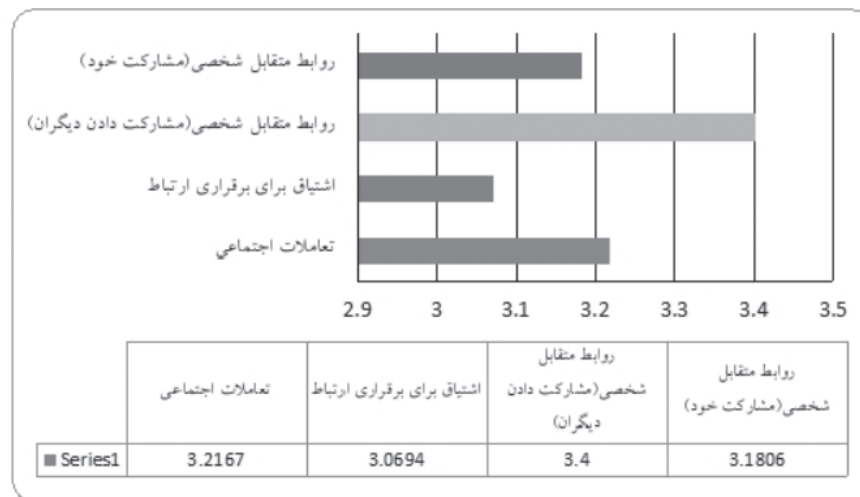
نمودار ۴. توصیف شاخص روابط متقابل شخصی
(مشارکت دادن دیگران): مآخذ: یافته‌های تحقیق.



نمودار ۵. توصیف شاخص روابط متقابل شخصی
(مشارکت خود): مآخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۶. نتایج آزمون t بررسی وضعیت تعاملات اجتماعی و زیر فاکتورهای آن

Value Test=۳			
Value-p	df	آماره آزمون t	
.۰۰۱	۱۱۹	۳,۵۳۲	تعاملات اجتماعی
.۴۱۸	۱۱۹	.۸۱۲	اشتیاق برای برقراری ارتباط
.۰۰۰	۱۱۹	۵,۴۷۲	روابط متقابل شخص (مشارکت دادن دیگران)
.۰۱۷	۱۱۹	۲,۴۱۳	روابط متقابل شخصی (مشارکت خود)



نمودار ۶. نتایج آزمون t بررسی وضعیت تعاملات اجتماعی و زیر فاکتورهای آن؛ مآخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۷. بررسی همبستگی بین شاخص‌های اصلی تحقیق؛ مآخذ: یافته‌های تحقیق.

		تعاملات اجتماعی	برقراری اشتیاق برای ارتباط		
تعاملات اجتماعی	ضریب همبستگی	۱	.۷۸۶	.۷۷۵	.۸۰۴
	سطح معناداری		.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰
	تعداد	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰
اشتیاق برای برقراری ارتباط	ضریب همبستگی	.۷۸۶	۱	.۳۷۳	.۴۲۵
	سطح معناداری	.۰۰۰		.۰۰۰	.۰۰۰
	تعداد	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰
روابط متقابل شخصی (مشارکت دادن دیگران)	ضریب همبستگی	.۷۷۵	.۳۷۳	۱	.۵۰۴
	سطح معناداری	.۰۰۰	.۰۰۰		.۰۰۰
	تعداد	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰
روابط متقابل شخصی (مشارکت خود)	ضریب همبستگی سطح معناداری	.۸۰۴ .۰۰۰	.۴۲۵ .۰۰۰	.۵۰۴ .۰۰۰	۱
	تعداد	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰
		۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰

Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

میزان سنجی تعاملات اجتماعی، وزیر فاکتورهای آن

همانگونه که در جدول ۶ مشاهده می شود، میانگین میزان تأثیر هریک از ۴ متغیر با مقدار متوسط ۳ در سطح ۰/۰۵ معنی دار تشخیص داده شده است ($p > 0/05$ - مقدار)، بنابراین می توان نتیجه گرفت که میزان تعاملات اجتماعی و هریک از زیر فاکتورهای آن بیشتر از متوسط است.

در جدول ۷ با توجه به سطح معناداری چون از ۰۵۰ کمتر است، بین تعاملات اجتماعی و هریک از زیر فاکتورهای آن رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ همچنین بین زیر فاکتورها با یکدیگر نیز رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری و جمع بندی

رشد سریع و شتابان شهرهای ایران در چند دهه اخیر به لحاظ کالبدی و درگیری متخصصان و مسئولان با مسائل کمی، باعث غافل ماندن آنها از جنبه های کیفی و محتوایی شده است. این موضوع در رابطه با محلات شهری در بافتهای قدیمی از شدت بیشتری برخوردار بوده است؛ به گونه ای که در دهه اخیر اغلب خیابانهای مراکز شهری کشور به واسطه افزایش جمعیت و توسعه نامناسب کالبدی، مدیریت و مراقبت نامناسب، اغلب به کانالهای عبوری با تراکم بالای از جمعیت تبدیل شده است. و این وضعیت انگیزه تعاملات اجتماعی را به حداقل ممکن رسانده است. طی نیم قرن فضاهای شهری، بویژه محله های مسکونی در سیر تحول و فرآیند تکوین خود و به تبع جریانهای ناشی از اندیشه جهانی شدن، دستخوش دگرگونی های شگرفی گردیده اند. در این جریان، شهر نشینی به حدی در حال گسترش است که وضعیت مخاطره آمیز و آسیب پذیری را برای جوامع روبه توسعه ایجاد کرده و موجب گسسته شدن ارتباط میان انسان و محیط زندگی او شده است. شکاف موجود مقدمه جدایی مکانی و شکل گیری فضاهای عاری از پیوستگی های اجتماعی را تشدید نموده است. در واقع با توجه به تمامی پیشرفت های قرن حاضر، در کشورهای در حال

توسعه مانند ایران و بویژه در کلان شهری همچون تهران، فقدان این عنصر حیات بخش در زندگی اجتماعی انسان ها بیش از هر زمان دیگری موجب افول کیفیت زندگی شهری شده است. فضای شهری فضایی است که زمان و انسان در آن حضور دارند. فضاهایی که در ادوار مختلف ایجاد شده اند. با توجه به نقش خلاقیتی که برای پیوند امروز با فردا برای فضای شهری قائل می شوند، تعداد و مصادیق فضای شهری به شدت تقلیل می یابد و محدود می شود. در واقع، اتفاقات خاصی که پیوند بین امروز و فردا را برقرار می کنند، یا اتفاقاتی بزرگ و همه گیر و تأثیرگذار و نادر هستند و یا اینکه به حدی تکرار می شوند که برای همه مردم واجد ارزش و اهمیت فوق العاده ای خواهند شد که در این میان تعاملات اجتماعی از اهمیت فزاینده برخوردار شده اند. مطالعات و ارزیابی های مکانی، علاوه بر آنکه زیر عناوین مختلفی صورت گرفته اند، مشتمل بر تنوع درخور توجهی از روش های ارزیابی کیفی و کمی بر اساس تعاریف مختلف از مکان و روابط انسان و مکان نیز بوده اند. محدوده و زمینه های این مطالعات نیز از خانه ها و پارکها و خوابگاه های دانشجویی تا محدوده یک شهر و منطقه متغیر هستند. شرایطی که برای شاخص شدن یک مکان به عنوان فضای سکونت مطرح می گردد، در اصل توقعاتی هستند که امکان گذار از مفهوم زیستن به مفهوم سکونت را فراهم می آورند؛ این دو تفاوت های اساسی با یکدیگر دارند؛ زیستن فقط امکان و شرط لازم برای زندگی کردن است. اگر برای زیستن برخورداری از آسایش تا حدودی کفایت می کند، برای سکونت علاوه بر این ها احساس آرامش، امنیت، صمیمیت و رفاه مورد نیاز است. بنابراین تعاملات اجتماعی به واسطه ماهیت وجودی و تنوع و پیچیدگی که دارند، حتی با تأمین اهدافی چون ایمنی و امنیت نیز به سهولت قابل دسترسی نیست. در واقع نحوه برخورد و میزان اعمال اثر هریک از این مولفه های کیفی سازنده محلات شهری باید با چنان حساسیتی

همراه باشد که بتواند دارای کارایی بیشتری باشند و این نیازمند مطالعه هوشمند و چندجانبه شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر محله درب نو و یا سایر محلات شهر گرگان می باشد و کمترین و افراط و تفریط در اعمال و بکارگیری هر یک از این مولفه های کیفی و بی توجهی به تأثیری که می توانند بر یکدیگر داشته باشند، ممکن است نتیجه معکوس به دنبال داشته باشد؛ بالاخص این موضوع در رابطه با امنیت، خوانایی و اجتماع پذیری محلات شهری از حساسیت ویژه ای برخوردار است. توسعه روابط و تعاملات اجتماعی آثار مثبت فراوانی به همراه دارد که در این میان دو اثر شاخص و مهم آن، ایجاد حیات جمعی و تولید سرمایه اجتماعی می باشد؛ که حیات جمعی فرصتی جهت رها شدن از تنش های زندگی روزمره، گذراندن اوقات فراغت، تعاملات اجتماعی و گردهمایی افراد و گروه های مختلف و بستری برای حضور و آزادی

بیان در فضا است. حیات جمعی در فضاهای عمومی در گرو ترویج تعاملات اجتماعی، جذب افراد و گروه های مختلف، امنیت اجتماعی و در نتیجه ترغیب به افزایش تحمل گروه های مختلف در فضا، جامعه پذیری بیشتر و ایجاد فضایی فعال و سرزنده است. تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، می تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت های متناسب و در نتیجه نقش پذیری مردم در فضا و عضویت آن ها در گروه ها و شبکه های اجتماعی است. سرمایه اجتماعی منبعی اجتماعی - ساختاری است که دارایی و سرمایه افراد محسوب می شود. این دارایی شیء واحدی نیست، بلکه ویژگی هایی است که در ساختار اجتماعی وجود دارد و باعث می شود افراد با سهولت بیشتری وارد کنش اجتماعی شوند. امروزه در مباحث نظری، میزان و نحوه تعامل کنشگران، سرمایه اجتماعی بشمار می آید. سرمایه



مولفه های ارتقاء تعاملات اجتماعی در محلات شهری			
حضور مردم و توسعه روابط اجتماعی در سطح محله	ویژگی فعالیتی	جنبه غیر کالبدی	تنوع در فعالیت ها؛ در نظر گرفتن نیازهای گروه های شاخص استفاده کننده
		جنبه کالبدی	ایجاد فضای کالبدی مناسب برای انجام فعالیت های مختلف؛ مکان یابی مناسب فعالیت ها؛ ایجاد شرایط هم افزایی محیطی
	ویژگی کالبدی		در دسترس بودن، دعوت کنندگی، ایجاد هویت و حس تعلق برای ساکنین، ایجاد نقاط مکث و مکان های نشستن مناسب و متنوع، نحوه چیدمان مبلمان فضاهای نشستن، تامین کردن آسایش فیزیولوژیک، ایجاد نقاط کانونی و شاخص نظیر مراکز تجمع، تحریک احساسات مخاطب، انعطاف پذیری در طراحی، طراحی خوانا، ایجاد امنیت

اجتماعی بطور مشخص، وزن روابط اجتماعی افراد است. سرمایه اجتماعی، یک مفهوم چند بعدی است که «کمیت» و «کیفیت» روابط اجتماعی دو بعد اصلی آن هستند. ویژگی مهم سرمایه اجتماعی آن است که اساساً خاستگاه آن محله و حاصل روابط اجتماعی در سطح محله است، و همه ی افراد محل توانایی ایجاد چنین سرمایه ای را دارند. این سرمایه، بر بافت اجتماعی محله تأثیرگذار است و کنش های جمعی و مشارکتی، همکاری اجتماعی، بردباری اجتماعی، وفاق و انسجام اجتماعی، کنترل اجتماعی و در نهایت تثبیت بخش نظم اجتماعی را در سطح محله آسان می کند.

منابع و مآخذ

بحرینی و دیگران (۱۳۸۸) تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

بحرینی، حسین و طبیبیان، منوچهر (۱۳۷۷) مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری، مجله محیط شناسی، دوره ۲۴، شماره ۲۱.

بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.

بحرینی، سید حسین و گلناز تاج بخش (۱۳۸۷) مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، هنرهای زیبا، تهران، شماره ۶.

بل، سایمون (۱۳۸۲) منظر: الگو، ادراک و فرایند، ترجمه بهناز امین زاده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

بنتلی، ای. ین و دیگران (۱۳۸۷) محیط های پاسخده: کتاب راهنمای طراحان، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.

بهزادفر، مصطفی و پیام محمودی کردستانی (۱۳۸۸) هنجارهای کیفی طراحی فضای شهری مردم مدار (آزادی مدار)؛ آرمانشهر، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) مبانی نظری و فرآیند

طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی. تقوایی، علی اکبر و معروفی، سکینه (۱۳۸۹) تأثیر فضاهای شهری بر ارتقاء کیفیت محیط با تأکید بر نقش مساجد، مقاله برگزیده همایش بین المللی مساجد، تهران.

توسلی محمود و ناصر بنیادی، (۱۳۸۶) طراحی فضای شهری- فضای شهری و جایگاه آن در زندگی و سیمای شهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

توسلی، غلامعباس (۱۳۶۲) مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، رابطه آسیب ها و انحرافات اجتماعی با مشارکت اجتماعی. تهران: دانشگاه تهران.

تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳) شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، اصفهان، نشر خاک.

جیکوبز، جین (۱۳۸۶) مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه حمید رضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷.

دانشپور، سید عبدالهادی و مریم چرخچیان (۱۳۸۶) فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، باغ نظر ۷ (۱۳۸۶).

رفعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳.

صادقیان، نادر (۱۳۸۳) محله سالم، اساس رعایت توسعه پایدار شهری. اسرار.

صالحی فرد، محمد، براتعلی خاکپور، هادی رفیعی، معصومه توانگر (۱۳۸۹) تحلیلی بر ابعاد اجتماعی فضاهای سبز شهری با تأکید بر دیدگاه شهروندان؛ مطالعه موردی: کلان شهر مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، فضای جغرافیایی.

طالبی، ژاله (۱۳۸۳) روابط اجتماعی در فضاهای شهری. نامه علوم اجتماعی ۲۴.

گلکار، کورش (۱۳۸۰) مولفه های سازنده کیفیت در

مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران).
Carmona, M (2003) Public places, urban spaces, Architectural press
DETR (2000) By Design, Urban design in Planning System: towards better practice. Commission for Architecture & Built Environment, London
Punter, J and Carmona, M (1997) The Design dimension of Planning/E & FN SPON
Urban Task Force (1999) Towards an Urban Renaissance, PP 59-56
Carr, S., et all. "Public Space". Cambridge University press. New York.1992.
Ewing, R., King, M. R., Raudenbush, S., & Clemente, O. J. (2005). Turning highways into main streets. Journal of the American Planning Association, 282-269, (3)71.
Francaviglia, R. V. (1996). Main Street revisited: Time, space, and image building in small-town America. Iowa City: University of Iowa Press.
Gehl, Jan. Life between buildings: using public space. New York: Van Nostrand Reinhold. 1987.
Hiller, B.(2007). Space is The Machine Space Syntax. UCL, London,35-5
Kim, J. & Kaplan, R. (2004). Physical and psychological factors in sense of community newurbanist Kentlands and nearby Orchard Village. Environment and Behavior, 340-313, 3, 36.
Lockwood, C. (1997). Putting the urb in the suburbs. Planning, 21-18, (6)63.
Lynch, Kevin. "The Image of the City". The MIT Press. Cambridge, Ma.1960.
Jacobs, A. (1993). Great streets. Cambridge, MA: MIT Press.
Jacobs, J. (1961). The Life and Death of Great American Cities: The failure of Town Planning. Harmondsworth: Penguin Books.
McMillan, D.W., & Chavis, D.M. (1986). Sense of community: A definition and theory. Journal of Community Psychology, 23-6, 14.
Pendola, R. & Gen, S. (2008). Does "Main Street" Promote Sense of Community? : Acomparison of San Francisco neighborhoods. Environment and Behavior, 574-545, (4) 40.
Pendola, Gen / Main Street and Community 573
Porta, S. & Renne, J. L. (2005). Linking urban design to sustainability: Formal indicators of social urban sustainability field research in Perth, Western Australia. Urban Design International, 64-51, 10.
Robertson, K. A. (1999). Can small-city downtowns

طراحی شهری، نشریه صنف شماره ۳۲.
گلکار، کوروش (۱۳۸۱) طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح های توسعه شهری تهران، انجمن صنفی مهندسان مشاور معمار و شهرساز.
گهل، یان (۱۳۸۷) زندگی در فضای میان ساختمانها، ترجمه شیما شصتی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
لقایی، حسنعلی (۱۳۸۲) ایمنی در پارک های شهری (قسمت اول). فضای سبز (سازمان پارک ها و فضای سبز شهر تهران).
لنگ جان (۱۳۸۵) طراحی شهری، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
لنگ، جان (۱۳۸۳) آفرینش نظریه معماری-نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. با ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: دانشگاه تهران.
لینچ، کوین (۱۳۷۴) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران.
لینچ، کوین (۱۳۸۷) تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
مدنی پور، علی (۱۳۷۹) طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندهای اجتماعی- مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
مدنی پور، علی (۱۳۸۱) تهران، ظهور یک کلانشهر، ترجمه حمید زرازوند، تهران، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.
مطلبی، قاسم (۱۳۸۳) رویکرد انسانی به توسعه پایدار محله ای. تدوین توسط علی نیاکان و سیمین محقق. مجموعه مقالات اولین همایش توسعه محله ای، مفاهیم و رویکردهای نظری توسعه محله ای (دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران).
ملا حسینی، حسین (۱۳۸۸) سرمایه اجتماعی در سطح محله. تدوین توسط سیمین محقق و علی نیاکان. مجموعه مقالات همایش توسعه محله ای-مشارکت مردمی و توسعه محله ای {۱} (دفتر

remain viable? A national study of
Southworth, M. & Ben-Joseph, E. (1995). Street
standards and the shaping of suburbia. Journal of
the American Planning Association, 81-65, 61.
Whyte, W. H. (1980). The social life of small urban
spaces. Tuxedo, Maryland: Printers II Inc.
www.google.earth.com

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۱۵۰